

بازی کثیف گروگانگیری و مسؤولیت حکومت

حفیظ الله ذکی

مخالفان مسلح دولت در کنار حملات انتحاری، ماین گذاری و کشتار مردم بی گناه، تاکتیک گروگانگیری افراد بی گناه ملکی را نیز در کارنامه خود اضافه کردند. گروگانگیری ۳۱ مسافر هزاره از شاهراه قندهار - کابل یکی از وحشیانه ترین و خطرناک ترین توطیه ای بود که از سوی گروه های تروریستی به راه انداخته شد. گروگانگیری بر مبنای تعلقات قومی نخستین اقدامی بود که برای ایجاد تفرقه میان اقوام افغانستان و تحت فشار قراردادن هزاره ها صورت گرفت. این عمل تاهنوز چندین بار تکرار شده است. مردم هزاره حدود سه صد سال است که زجر ظلم و ستم سازمان یافته و تبعیض بی حد و مرز و کنترل نا شده را تحمل می کنند. این مردم هم از لحاظ نژادی و هم به دلایل مذهبی وایدیولوژیکی همواره مورد ستم حکام و بی مهری سایر اقوام قرار داشته اند. این مردم در حالی که بیشترین مالیات را باید می پرداخت و سخت ترین مکلفیت ها را بایستی به عهده می گرفت، از کمترین امتیاز دولتی بهره نمی برد. این مردم کشتارهای سیستماتیک و بیرحمانه را تجربه کرده و به دلیل غصب زمین و جایادهای شان به اجبار از سرزمین و از محل زندگی شان کوچ داده شده اند. سیاست حذفی به تمام معنا در مورد این مردم به اجرا گذاشته می شد.

کودتای هفت ثور و خیزش عمومی مردم علیه حکومت دست نشانده کمونیستی، تغییرات گسترده ای در مناسبات اجتماعی مردم به وجود آورد. از یک طرف پدیده مهاجرت و از طرف دیگر عزم مردم بر پیروزی جهاد و سرنگونی حکومت به اصطلاح ضد دینی آن روز، سطح همکاری گسترده و تعاملات فشرده میان اقوام گوناگون اجتماعی و از جمله اقوام مختلف را اجتناب ناپذیر می نمود. مهاجرت ارتقای سطح فرهنگی و تحصیلی و نیز آگاهی از حقوق متقابل دولت و مردم را در پی داشت، اما تعاملات با سایر اقوام یک نوع شناخت و احساس نیازمندی متقابل را در میان اقوام افغانستان به وجود آورد. این تعاملات سبب دگرپسندی عمیق در باورها و برداشت های تلنبار شده سایر اقوام نسبت به هزاره ها گردید. مردم افغانستان همه به این درک رسیدند که هزاره ها جزو مردم افغانستان است و ایجاد فاصله و دشمنی میان اقوام افغانستان به نام دین، مذهب و نژاد از توطیه های حکومت های نامشروع این کشور بوده که برای دوام سیطره ظالمانه شان صورت گرفته است.

امروز ما در سطح توده ها کمتر با مشکل روبرو هستیم؛ اما سیاست های تبعیض آلود و انحصارطلبانه برخی سیاستمداران و یا حلقه های سیاسی، هنوز هم راه رسیدن به یک گفتن ملی را سلب کرده است. تفاله های تفکرات ظالمانه قومی تا هنوز در مغز مریض بعضی از رهبران سیاسی ما وجود دارد که گاه گاه به بهانه ها و مناسبت های گوناگون و به اشکال گوناگون تیار می کنند. اگرچه گروگانگیری توسط گروه های تروریستی صورت گرفته و هیچ کس از آنها توقع رحم، مروت، مردانگی و انسانیت را ندارند؛ ولی چیزی که در این زمینه بسیار مبهم و مشکوک به نظر می رسد، همنوایی و همدردی صادقانه حکومت با مردم مستمیده است. مردم در چهارده سال گذشته با جان و دل در کنار حکومت بوده و از نظام سیاسی موجود با تمام کسب ها و کاستی هایش حمایت و پشتیبانی کرده و می کند و این صداقت خود را بارها در جریان انتخابات و در همه پروسه های ملی به اثبات رسانده اند. سؤال این است که آیا حکومت نیز در دفاع از جان، مال، امنیت، حیثیت و شرافت مردم، مسؤلانه و صادقانه تلاش کرده است؟ صدای اعتراضی که امروز در واکنش به سربریده شدن هفت گروگان زن، مرد و کودک بلند شده است، نشان می دهد که مردم از عملکرد دولت در قبال تروریسم راضی نیستند. مردم به گونه ای رد پای برخی افراد مقتدر در حکومت فعلی را در رخدادهای این چنینی می بینند و یا حداقل از غفلت، سهیل انگاری و موضع گنگ و نامعلوم حکومت به ستوه آمده اند. حکومت باید این فریادها را بشنود و باید به آنها پاسخ روشن دهد؛ اگر نه سرمایه حامیان مردمی خودش را از دست می دهد.

آیا گروه طالبان دیگر تهدیدی علیه نظام سیاسی نیست؟

علی قادری



همچنان خواهان خروج کامل نیرو های بین المللی از افغانستان بود. قانون اساسی را قبول نکرد. با مرگ ملا عمر، رهبر گروه طالبان اوضاع به نسبت زیادی تغییر کرد. گفتگو های صلح به بن بست مواجهه شد. رهبر جدید گروه طالبان اعلان داشت که جنگ در افغانستان تا زمان اخراج کامل نیروهای بین المللی ادامه خواهد داشت. در عمل نیز، گروه طالبان نشان داده است که تمایلی به گفتگو های صلح ندارد. آن ها با تشدید حملات بر ولایت های مختلف افغانستان نشان داد که نه تنها تمایلی به گفتگوی صلح ندارد بلکه آن ها آرزوی حاکمیت دوباره امارت اسلامی را در سر می پرورانند. تغییر رویکرد آمریکا و دولت افغانستان نسبت به گروه طالبان و تغییر نکردن دیدگاه این گروه نسبت به دولت افغانستان و عدم تمایل این گروه به روند صلح جشن داد که نه تنها تمایلی به گفتگو های صلح ندارد بلکه آن ها آرزوی امارت اسلامی را در سر می پرورانند. تغییر رویکرد آمریکا و دولت افغانستان نسبت به گروه طالبان و تغییر نکردن دیدگاه این گروه نسبت به دولت افغانستان و عدم تمایل این گروه به روند صلح جشن داد که نه تنها تمایلی به گفتگو های صلح ندارد بلکه آن ها آرزوی امارت اسلامی را در سر می پرورانند.

جمهوری باراک اوباما بر می گردد. اوباما همانند بوش رویکرد نظامی تنها را موفق نمی دانست از این رو، او در کنار اینکه بر مواضع گروه طالبان حمله کرد و تعداد بیشتری نیرو های آمریکایی را وارد افغانستان نمود، تلاش نمود از میان دولت افغانستان و گروه طالبان زمینه گفتگو را برقرار کند. او سر آغاز تغییر رویکرد آمریکا نسبت به گروه طالبان محسوب می شود. از آن زمان به بعد دو گونه برخورد با گروه طالبان صورت گرفت. از یک طرف مواضع این گروه مورد حمله قرار می گرفت و از سوی دیگر تلاش می شد تا این گروه را وارد پروسه صلح نماید. در پی تغییر رویکرد آمریکا نسبت به گروه طالبان سیاست های دولت افغانستان نیز نسبت به گروه طالبان تغییر کرد. گروه طالبان با عنوان های مختلف خطاب قرار داده شد. در زمانه ای برادر ناراضی خوانده شد و در زمانه دیگر مخالف سیاسی. با این حال، موضع این گروه نسبت به افغانستان تغییر چندانی نکرد. آن ها

گونه شناسی دولت در افغانستان نشان می دهد که ما دولت های مختلف را تجربه نموده ایم. از زمان کمونیست ها به این سو، با دولت فروپاشیده مواجهه بوده ایم. به عبارت دیگر، دوره کمونیست ها، مجاهدین و گروه طالبان را می توان دولت فروپاشیده خواند. دقیقا در این دوره، گروه های مختلف تروریستی وارد افغانستان شد و در برابر نظم بین الملل و نظم داخلی ایستادگی کرد. از میان نظام های حاکم اما، گروه طالبان از گروه های تروریستی همانند القاعده حمایت کرد. رابطه میان گروه طالبان و شبکه القاعده سبب شد که القاعده و گروه طالبان برهم زنده نظم بین الملل شناخته شود و در برابر این دو گروه کشور های مختلف با همدیگر متحد شود و برای سقوط امارت اسلامی و ریشه کن ساختن شبکه القاعده به افغانستان حمله نماید. امارت اسلامی طالبان دست از حمایت از شبکه القاعده برداشت و در نهایت سقوط کرد. در دسته بندی های صورت گرفته از سوی آمریکا و جامعه جهانی گروه طالبان به عنوان یک گروه تروریست شناخته شد. در همین مینا نیز جنگ در افغانستان از سوی دولت های غربی توجیه می شد. با این حال، از آن زمان تا کنون رویکرد آمریکا و به طبع آن دولت افغانستان نسبت به گروه طالبان تغییر یافته است. این تغییر رویکرد نشانه آن است که آیا نظام کنونی در افغانستان باز تعریف می شود؟ در ذیل تلاش می کنم با بررسی تغییر رویکرد آمریکا نسبت به گروه طالبان نگاهی به آینده افغانستان بیاندازم. در هفته گذشته سخنگوی وزارت دفاع آمریکا در یک نشست خبری گفته بود که گروه طالبان یک شریک مهم در روند آشنی در افغانستان است. بعدا دفتر رسانه ای پنتاگون در سایت خود ابراز کرد که که طالبان برای مشروعیت یافتن، تنها راهی که دارند، روند صلح در افغانستان است و طالبان می توانند انتخاب کنند: «آنها می توانند به روند صلح بپیوندند و یا به کشتن غیرنظامیان افغان و بی ثبات ساختن کشور ادامه دهند. ما همچنان امیدوار هستیم که طالبان صلح را انتخاب کنند.» این اظهارات دو رویکرد کاملا متفاوت را

باز هم سهم ما از زندگی: خون و گلوی بریده

عبدالله هروی



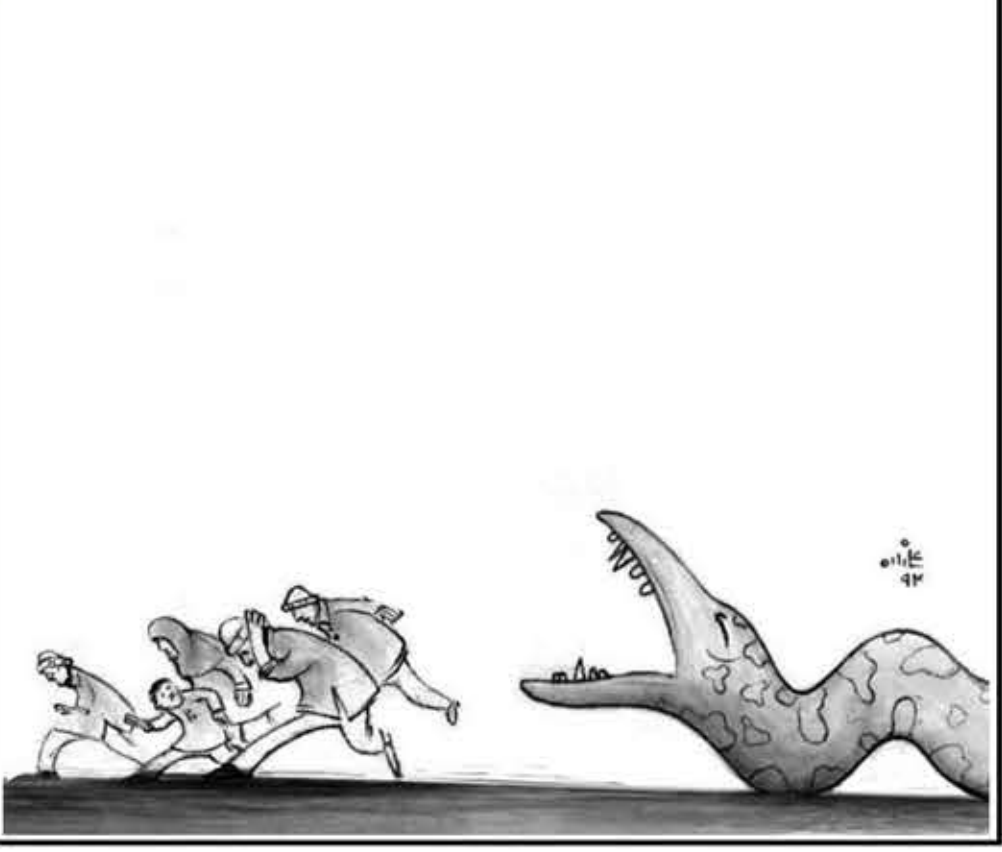
بر سر مردم ما آمد. ناگفته نباید گذاشت و پنهان نباید کرد با نگاهی که هم اکنون به چهار سوی حکومت وحدت ملی انداخته می شود و سیاست های که در تقویت و فرسایش ویژه برای رهایی آنان صادر کرد که باید بدون قید و شرط رهایی شوند. با صد درد و اندوه باید گفت پس از تشکیل حکومت وحدت ملی بحران و ناامنی در کشور بیش از هر زمانی دیگر، گسترش و شدت یافته است. مردم عادی و جوانان بسادگی طعمه آماج ناخوانمردانه شورشیان مسلح قرار می گیرند و زنان و اطفال نیز در نتیجه ی حملات دهشت افگانه دشمنان به گروگان گرفته شده و یا قربانی می شوند. موجی که اکنون از ناآرامی ها تمامی ولایت های کشور را در بر گرفته است مشکلات فراوانی را برای مردم پدید آورده است. توری که با مشاهده این شرایط ناگوار امنیتی و بی ثباتی سیاسی، زندگی در آینده با دشواری های زیادتری و حتا غیرممکن تصور می گردد. مردم همه نگران بازگشت به وضعیت هستند که در آن، هیچ گونه اثری از ارزش های یک حکومت مردم سالار و دموکراتیک و ثبات لازم برای دوام زندگی در میان نباشد؛ مشابه آنچه که در دهه هفتاد تا هشتاد

این مسافران را پس از حدود سه ماه از قید رها ساختند، اما بقیه آن ها را در گروگان خود نگاهداشتند. از آن پس حداقل دو بار دیگر نیز از ولایت غزنی، مردان و زنان از سوی مردان مسلح به گروگان گرفته شده اند که تا هنوز از سرنوشت آن ها خبری در دست نیست. هم چنین باید گفت که این هفت تن از گروگان ها در حالی سر بریده شده اند، که اعضای خانواده و بستگان آن ها از تحصن برپا کرده و خواستار رهایی این گروگان ها شده بودند. آن ها هشدار داده بودند که تا آزادی کامل گروگان ها در شرایط سخت، خیمه تحصن را ترک نخواهند کرد. اما پس از رهایی ۱۹ گروگان، معترضان گفته بودند که دولت آن ها را فراموش کرده و کسی به حرفی و خواسته آن ها گوش نمی دهد. تظاهرات و اعتراض ها در کابل و چند ولایت دیگر برای رهایی این گروگان ها برپاگردید که به نتیجه نرسید. معترضان، حکومت و رئیس جمهوری را متهم به سهیل انگاری و یک جانبه گرایی می نمایند و گفته اند که اگر این اتفاق برای اقوام مقامات حکومتی یا رئیس جمهوری می افتاد، بلافاصله زمینه رهایی آن ها را فراهم می

کارتون روز



بدون شرح



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پستی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله ذکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلا

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان
The Daily Afghanistan
Outlook
AFGHANISTAN
The Lead of Independent Thought